



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۵۴
جمعه ۱۷ دی ۱۴۰۰ - ۷ ژانویه ۲۰۲۲

در سالگرد جنایت هولناک PS752 به یاد جانباختگان

#من_هم_شمعی_روشن_خواهم_کرد
پنجشنبه و جمعه، ۱۸ و ۱۹ دی ماه، ۷ و ۸ ژانویه



جنایت رژیم در ۱۸ دی ۱۳۹۸ یکبار دیگر عهد می بندیم که تا تحقق شعار دانشجویان قهرمان در دیماه ۹۸، "جمهوری اسلامی نابود باید گردد"، از پای نخواهیم نشست. دور نیست روزی که جمهوری اسلامی را بزیر بکشیم و خامنه ای و رئیسی و دیگر جلادان حاکم را به جرم جنایات بی‌شمارشان علیه مردم ایران و منطقه به داگاههای مردمی بسپاریم.

کولبران، اسیدپاشی به روی زنان، و شلاق و شکنجه و "خودکشی" کردن هر روزه در زندانها. شلیک به هواپیمای مسافربری برگ سیاه دیگری در این کارنامه ننگین جمهوری اسلامی است. جنایت آشکاری که مطلقاً با هیچ بهانه و عذر و توجیهی قابل انکار و پرده پوشی نیست. اجازه نمیدهیم جهان این جنایت هولناک را فراموش کند. نه میبخشیم، نه فراموش میکنیم.

و با صدای بلند فریاد میزدیم واقف شده اند. این دستاوردها برای انجمن خانواده های قربانیان پرواز ۷۵۲، برای کل جنبش دادخواهی و جنبش گسترده همه ما مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و به محاکمه کشیدن سران حکومت، یک گام مهم به پیش است.

جمهوری اسلامی در قتل و آدمکشی پرونده قطوری دارد. از اعدامهای جمعی تا شلیک به تظاهراتی حق طلبانه، و از ترور مخالفین در خارج و داخل کشور تا کشتار

مردم آزاده ایران!

در دومین سالروز جانباختن قربانیان

۱۳ دیماه ۱۴۰۰، ۳ ژانویه ۲۰۲۲

پیام حمید تقوایی

به مردم ایران به مناسبت دومین سالگرد شلیک به هواپیمای مسافربری پرواز ۷۵۲

مردم آزاده ایران! بررسی قرار داد، این فاجعه را اقدامی عامدانه و تروریستی دانست و مشخصا خامنه ای و سران سپاه را به عنوان مسئولین مستقیم این جنایت غیابا محاکمه و محکوم نمود. بدنبال حکم دادگاه عالی انتاریو، دادگاه آبان تریبونال، با شهادت جسورانه و کوبنده مادران آبان، و دادگاه حمید نوری که هم اکنون در شهر استکهلم در جریان است، نمونه های بارز پیشروی جنبش دادخواهی و جنبش سرنگونی طلبانه همه ما مردم علیه جمهوری اسلامی است. اکنون مردم جهان نیز بر آنچه از همان لحظه شلیک به هواپیما ما مردم ایران میدانستیم

در دومین سالگرد جنایت هولناک و بیسابقه شلیک به هواپیمای مسافربری پرواز ۷۵۲ یاد عزیز ۱۷۶ نفر قربانیان این جنایت را با بلند کردن فریاد اعتراضمان علیه جانیان حاکم بزرگ میداریم.

در طی دو سال گذشته ما خانواده های ۱۷۶ قربانی این فاجعه، فعالین جنبش دادخواهی، و همه ما مردم معترض اجازه نداده ایم جهان این جنایت را فراموش کند. در اردیبهشت امسال دادگاه عالی ایالت انتاریو پرونده شلیک به هواپیمای پرواز ۷۵۲ را مورد

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ضمیمه انترناسیونال: درباره شعار ما همه با هم هستیم بزودی منتشر میشود. حمید تقوائی

شماره صفحه:

در این شماره انترناسیونال:

۱	پیام حمید تقوائی به مردم ایران به مناسبت دومین سالگرد شلیک به هواپیمای مسافربری پرواز ۷۵۲
۲	من هم شمع روشن میکنم. شهلا دانشفر
۳	جان بگتاش آبتین در خطر است! حزب کمونیست کارگری ایران
۴	قرار است! (در حاشیه مضحکه سالگرد مردن سلیمانی) سیاوش مدرسی
۶, ۵	بیوگرافی ایرج فرجاد: روزنه ای به زندگی میلیاردها انسان
۷	زندگی دردناک کولبران سند جنایت حکومت است. عبدال گلپریان
۹, ۸	سه یادداشت کوتاه! شهلا دانشفر
۱۰	باتلاق بحران سیاسی عراق و زمین گیر شدن حکومت اسلامی. نسان نودینیان
۱۰	ایران در آستانه یک رنسانس سوسیالیستی قرار دارد. امیر توکلی
۱۱	آنچه حکومت باید بداند! حمید صداقت
۱۳, ۱۲	از مدیای اجتماعی حزب
۱۵ و ۱۴	اطلاعیهای حزب

من هم شمع روشن میکنم

در گرامیداشت یاد ۱۷۶ سرنشین قربانی هواپیمای اکرایی من هم شمع روشن میکنم و یادشان را گرامی میدارم.



صبحگاه روز چهارشنبه ۱۸ دیماه ۹۸ بود که هواپیمای بین المللی اوکراینی پس از برخاستن از فرودگاه مهرآباد تهران مورد شلیک دو موشک قرار گرفت و سرنگون شد و تمام ۱۷۶ مسافر و خدمه آن در دم جان باختند. جنایت فجیعی که دنیا را تکان داد و اکنون دو سال از آن زمان میگذرد.

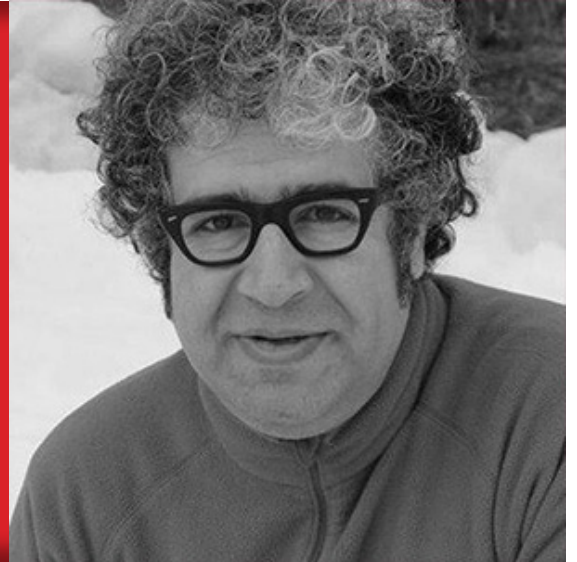
جنایتی که مردم در همان مقطع جوابش را با شعار جمهوری اسلامی نابود باید گردد به محکمی در کف خیابان دادند و این جنایت جنبش دادخواهی را در قامتی ایستاده تر و قدرتمند تر در سطح جامعه جلو آورد.

جنبشی که با فریاد نه می بخشیم نه فراموش میکنیم صدایش را جهانی کرده است و خانواده های جانبختگان هواپیمای اکرایی و جانبختگان آبان ۹۸ و مادران خاوران پیشتازانش هستند.

جنبشی که گفت رای ما سرنگونی است. جنبشی که پرچم محاکمه سران جنایتکار حکومت اسلامی را در سطح جهان برافراشته است. جنبشی

جان بکتاش آبتین در خطر است

اعضای کانون نویسندگان و تمامی زندانیان سیاسی باید آزاد شوند



بردارند. غافل از آنکه کانون نویسندگان ایران سر سوزنی از آرمان‌هایش پا پس نخواهد کشید. کانون هرگز یاران خویش را تنها نخواهد گذاشت و تا درمان کامل، در کنارشان خواهد بود، گرچه این چیزی از مسئولیت حکومت نمی‌کاهد. بی‌تردید، وظیفه‌ی حفظ سلامت و درمان زندانی بیمار بر عهده‌ی زندانبانان است و چنان که بارها گفته‌ایم، حکومت جمهوری اسلامی، مسئول عواقب هر اتفاقی است که برای نویسندگان زندانی به‌خصوص بکتاش آبتین پیش آید. حکومت عامدانه جان زندانیان سیاسی را به بازی گرفته است و آنان باید پیش از وقوع هر فاجعه‌ای آزاد شوند، خاصه آنکه همه می‌دانیم این نویسندگان هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند که بخواهد مجازاتی برایشان در کار باشد.

کانون نویسندگان ایران، پرونده‌سازی و قتل خاموش نویسندگان آزادی‌خواه را محکوم می‌کند، حکومت جمهوری اسلامی و وزارت اطلاعات و قوه قضائیه آن را مسئول مستقیم هر اتفاق ناگواری می‌داند که برای بکتاش آبتین رخ دهد. کانون خواهان بستن پرونده‌های قضایی، آزادی کامل، بی‌قید و شرط و فوری اعضای دربند خود و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی است.

کانون نویسندگان ایران
۱۵ دی ۱۴۰۰

محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، باز آمده بودیم که اخبار تکان‌دهنده یکی از پس دیگری بر سرمان آوار شد تا در خاطرمان مکرر شود که قاتلان پیشین نه تنها «خودسر» نبودند بلکه مدرسان بازجوها و زندانبانان امروز بوده‌اند و راه آنان همان است که تا دیروز بود؛ دیروز با کارد و طناب می‌کشتند و امروز با پرونده‌سازی، به قتلگاه بردن، رها کردن زندانی بیمار به حال خود و کشتن او با مرگی تدریجی. این سرنوشت شومی است که نه تنها برای نویسندگان زندانی بلکه برای همه‌ی زندانیان سیاسی از جمله زنان زندانی رقم خورده است. در ماه‌های گذشته زندانیانی به دلیل بیماری، عدم اعزام به موقع به بیمارستان و در سکوت خبری، قربانی سیستم سرکوبگر حکومتی شده‌اند که جز کشتار، ستم، فقر و فساد و خرافات حاصلی ندارد و جامعه را به ورطه‌ی افسردگی و نیستی می‌برد. حکومتی که وقتی توان تبدیل جامعه به گورستان را ندارد، به جان زندانیان سیاسی می‌افتد و تا می‌تواند انتقام شکست‌هایش را از مخالفان، نویسندگان، و منتقدان در بند می‌گیرد. حاکمان، آمران و عاملان ستمگر و سیاه‌کار جمهوری اسلامی به خیال خام خود با به بند کشیدن و قتل عمد و خاموش نویسندگان مستقل و آزادی‌خواه و زنان و مردان مبارز، به همه‌ی مردم معترض پیام می‌دهند که از اعتراض و آزادی‌خواهی دست

خانواده‌اش، زمانی صورت گرفت که از او تنها جسمی نیمه‌جان باقی مانده بود. اما مأموران حکومت دست از آزار او برنداشتند و همان جسم نیمه‌جان را هم در بیمارستان طالقانی تهران، با غل و زنجیر و در حضور سنگین نیروهای امنیتی، به تخت بستند. بی‌خبری از آبتین در این وضعیت هم چندین روز ادامه داشت. کوشش اولیه‌ی خانواده و وکیل بکتاش برای گرفتن مرخصی استعلاجی از زندان برای پیگیری درمان او بی‌نتیجه بود، و این وجه دیگری از برخورد عامدانه‌ی حکومت بود که یگراست جان او را نشانه گرفته بود. سرانجام زندانبانان زمانی به او مرخصی دادند که ریه‌هایش درگیر بیماری شده و سلامتش سخت به وخامت گراییده بود و روزها، ساعت‌ها و چه بسا لحظه‌های ابتدایی مراقبت پزشکی که دوره‌ی حیاتی درمان است یکسر از دست رفته بود. سپس همین ماجرا بر رضا خندان (مهابادی) گذشت، با این تفاوت که اندکی زودتر به درخواست مرخصی او پاسخ دادند. امروز وضع بکتاش آبتین سخت نگران‌کننده است تا جایی که او در حال جنگیدن با مرگ است و چند روزی است که پزشکان او را به کمی مصنوعی برده‌اند، و این یعنی آخرین تقلاها برای زنده ماندن و جستن از مرگ.

تازه از مراسم ناتمام یادبود بیست و سومین سالگرد ستم‌کشتگان راه آزادی،

آبتین و رضا خندان هر یک به شش سال و کیوان باژن به سه سال و شش ماه زندان محکوم شده‌اند. این سه عضو کانون نویسندگان از پنجم مهرماه سال ۹۹ در بازداشت بسر می‌برند. آرش گنجی یکی دیگر از اعضا کانون نویسندگان، مترجم و منشی هیئت دبیران این کانون نیز از دهم آبانماه ۱۴۰۰ برای سپری کردن ۵ سال حکم زندان خود در اوین بسر می‌برد. آزادی بدون قید و شرط اعضای کانون نویسندگان و همه فعالین در بند و تمامی زندانیان سیاسی خواست ما و همه مردم است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴۰۰، ۶ ژانویه ۲۰۲۲

ضمیمه: متن کامل بیانیه کانون نویسندگان را در زیر می‌خوانید:

**به قتل نویسندگان آزادی‌خواه
پایان دهید!**

ماه پیش باخبر شدیم که چهار نویسنده‌ی عضو کانون نویسندگان ایران، بکتاش آبتین، رضا خندان (مهابادی)، کیوان باژن و آرش گنجی در زندان اوین به بیماری کرونا مبتلا شده‌اند. وضع دو تن از آنان، آبتین و خندان، نگران‌کننده بود. زندانبانان حکومت بکتاش آبتین را با وجود علائم آشکار بیماری، بی‌هیچ درمان موثری چندین روز میان بند و بهداری سرگردان کردند و سرانجام انتقال شبانه‌ی آبتین به بیمارستان، در بی‌خبری هم‌بندان و

بکتاش آبتین به دلیل ابتلا به بیماری مهلک کرونا جان‌ش در خطر است. کانون نویسندگان ایران در بیانیه‌ی تحت عنوان «به قتل نویسندگان آزادی‌خواه پایان دهید از وضعیت وخیم او خبر داده و می‌نویسد:» امروز وضع بکتاش آبتین سخت نگران‌کننده است تا جایی که او در حال جنگیدن با مرگ است و چند روزی است که پزشکان او را به کمی مصنوعی برده‌اند، و این یعنی آخرین تقلاها برای زنده ماندن و جستن از مرگ.»

کانون نویسندگان در این بیانیه ضمن محکوم کردن پرونده‌سازی و قتل خاموش نویسندگان آزادی‌خواه، حکومت جمهوری اسلامی و وزارت اطلاعات و قوه قضائیه را مسئول مستقیم هر اتفاق ناگواری می‌داند که برای بکتاش آبتین رخ دهد.

کانون همچنین خواهان بستن پرونده‌های قضایی، آزادی کامل، بی‌قید و شرط و فوری اعضای دربند خود و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی شده است. ما نیز همصدا با کانون نویسندگان این جنایت آشکار را شدیداً محکوم می‌کنیم و به سهم خود تلاش می‌کنیم که این صدای اعتراض را جهانی کنیم.

بکتاش آبتین شاعر، فیلمساز و عضو کانون نویسندگان ایران است. او همراه با رضا خندان (مهابادی) و کیوان باژن دو عضو هیئت دبیران این کانون در پنجم مهر ماه سال جاری بازداشت شد. بکتاش

قرار است!

در حاشیه مضحکه سالگرد مردن سلیمانی



سیاوش مدرسی

درست در شرایطی که غبار فقر، کرونا، سیل و نپرداختن حقوق کارگر و معلم و پرستار جامعه را به مرز فلاکت کشانده است، قرار است مضحکه و امیبتنا آب پاکی بر سر نظام نکبت اسلامی بریزد و سالگرد شلیک عمده اکره و فرماندهان سپاه به هوایمای ۷۵۲ اوکراینی و کشتار ۱۷۶ کودک و پیر و جوان را در محاق ببرد!

مناسبت هم اینکه در این ماه سالگرد قتل سلیمانی قرار است سران نظام لاشه سلیمانی را به کمک مشیت الهی و بعنوان پرچم پیروزی اسلام شعبه شیعه اثنی عشری در مغز منجمد و پلاسییده تروریستهای مزدور تحت امر دلار و ولی فقیه بچپانند! قرار است بازهم دست به دامان سلاح فرسوده ارباب، ترس، مرگ، گریه، زاری و خون و کربلا و نوحه خوانها شوند و جامعه‌ای عاصی و جان به لب رسیده و خسته از ۴۲ سال شکنجه و کشتار و چپاول در ایران و منطقه را بترسانند.

قرار است.....! همانطور که قرار بود تا ظهور مهدیشان بکشند، بچاپند و بمانند! اما دیگر در محمصه اضمحلال و نابودی دست و پا میزنند!

موضوع به سادگی این است که عروج امثال خمینی "رهبر مسلمین جهان"، ابوبکر البغدادی "امیرالمؤمنین خلیفه مسلمین جهان"، بن لادن میلیاردر تروریست و رئیس القاعده، امیر المومنین ملا عمر طالبان و بوکوحرام و... دیگران تنها وقتی میسر میشود که منافع اربابان جهان و منطقه، سنگهای مدنیت در یک جامعه را تخریب کرده باشند، هر جا که نیاز باشد هرج و مرج و سفاکی را به ضرب و زور پول و اسلحه و امثال سلیمانی و البغدادی به بشریت و جامعه تحمیل کنند. هر جا که خطر انقلاب تهدیدشان کند و یا رقابت و چپاول دست و بالشان را باز بگذارد، پول خرج میکنند، مزدور تربیت میکنند و به جان بشریت و جامعه می اندازند.

منجلا ب خونی که در خاورمیانه و شمال آفریقا از جهل و جنون و جنایت و پول آفریده‌اند محصول چنین اوضاعی است، هر جا که خطر انقلاب و سوسیالیسم و مدنیت تهدیدشان میکند دست به دامان مزدوران مسلح به چماق، چاقو، اسید، نارنجک، مسلسل و ایدئولوژی دینی و ملی میشوند. حتی وقتی در فکر رقابت اقتصادی و توسعه دایره نفوذ سیاسی هستند، به جامعه خون میپاشند، حالا دیگر دیکتاتورها و تروریستهای منطقه‌ای مثل خامنه‌ای و اردوغان و اسد و شیوخ عرب هم غبغب‌دار صدور جنایت و تبهکاری هستند.

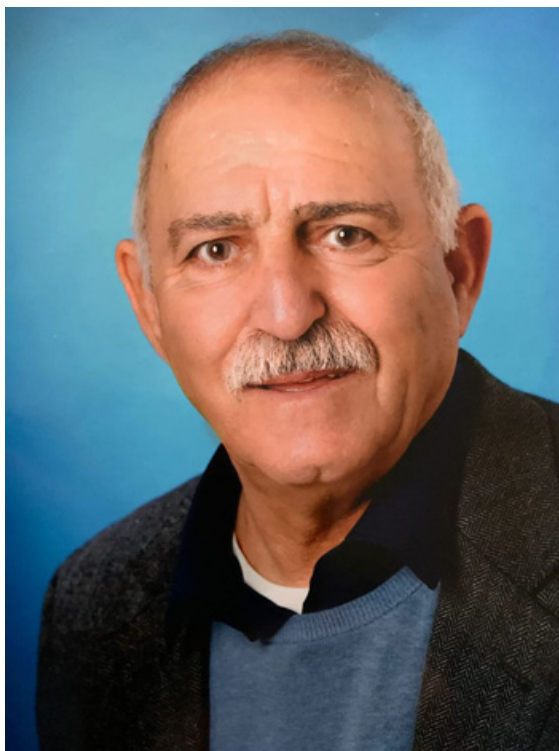
این دیگر حقیقتی عیان و آشکار است که سرمایه‌داری و عمده و اکره‌هایش دیگر هیچ راهی برای اعمال اراده و حفظ حاکمیت در منطقه جز به شیوه‌های تروریستی و له کردن مدنیت و حقوق پایه‌ای مردم ندارند! اما عروج و ساختن لجنزار اسلامی در منطقه و جهان اساساً نتیجه وحشت هم

هست! وحشت از موج اعتراض و تعرض مردم در هر نقطه‌ای که تروریستها قدرتی بهم زده‌اند، در ایران و افغانستان، در عراق و لبنان فریادهای سرنگونی و جارو کردن اقتدار این اوباش و زامبی‌های از گور برخاسته بلند است! امروز نام تروریستهای حرفه‌ای مثل خامنه‌ای و سلیمانی در ایران و عراق و لبنان و عربستان و سوریه در فریادهای سرنگونی آنها و آرزوی مرگشان طنین انداز است! ما مردم ایران و منطقه زنده به روز به زیر کشیدن و محاکمه اربابان امثال المهندس‌ها و قاسم سلیمانی‌ها و فلان ملا و شیخ و به قعر گور فرستادن آنها هستیم! از سر راه انسانیت! زندگی، طبیعت، و هر آنچه که نام شرافت دارد جارویتان خواهیم کرد!

۵ ژانویه ۲۰۲۲



مجسمه قاسم سلیمانی را صبح روز چهارشنبه ۱۵ دیماه در فلکه اول شهرکرد نصب کردند. این مجسمه فقط چند ساعت دوام آورد. پنجشنبه شب توسط جوانان به آتش کشیده شد.



روزنه لاسره زندگی میلیاردها انسان

پوکرانی ایرج فرجاد

فعال کمونیسم کارگری از حزب کمونیست ایران و تشکیل حزب کمونیست کارگری در زمستان سال ۱۹۹۱ ایرج نیز به این حزب پیوست و فعالیت خود را در تشکیلات خارج کشور حزب با همان جدیت و پشتکاری که خصوصیت همیشگی او بود شروع کرد.

ایرج کادر برجسته و استخوان خرد کرده حزب کمونیست کارگری بود و در صف اول بسیاری از فعالیتهای تشکیلات آلمان قرار داشت و یکی از ستون های سازمان دهنده فعالیت های حزب در این کشور بود و دیگران را برای انجام دهها میتینگ و تظاهرات و کنفرانس در سراسر آلمان تشویق میکرد و سازمان میداد. ایرج در صفوف حزب نمونه استواری و پایبندی به سیاست ها و آرمانهای حزب و نمونه برجسته ای از یک کادر آرمانخواه و کمونیست بود.

در کنفرانس هایی برای تشکیل تریبونال محاکمه سران حکومت اسلامی، تحصن در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در شهر بن، اشغال دفاتر حزب سبز به دلیل سفر یوشکا فیشر در روز جهانی زن به ایران، سازماندهی راهپیمایی در روز هشت مارس از کلن به شهر بن،

ادامه در صفحه ۶

ضرب قرار گرفتند. ایرج نقش مهمی در انتقال امن بسیاری از فعالین از جمله تعداد قابل توجهی از فعالین کومله و اتحاد مبارزان کمونیست به مناطق آزاد کردستان بعهده گرفت. ابتکار و خلاقیت قابل توجه ایرج برای انجام این وظایف مهم باعث شد که فعالینی که همراه خود به کردستان منتقل میکرد حتی یکبار هم مورد سوء ظن قرار نگیرند.

ایرج بدنبال اعدام برادرش فرهاد فرجاد، به تشکیلات علنی کومه له ملحق شد و با همان شور و حرارت و پیگیری همیشگی اش در مناطق آزاد کردستان در بخش های مختلف این تشکیلات، از جمله به عنوان سرپرست حمل و نقل در تشکیلات علنی کومله، به فعالیت ادامه داد.

ایرج در سال ۱۳۵۲ با منیر شریف پوریان ازدواج کرد. منیر عزیز نیز کادر قدیمی حزب است و بقول ایرج لنگر زندگی و منبع انرژی اش برای امید به ادامه زندگی بود. حاصل ازدواج ایرج و منیر سه فرزند بنام سحر، کاوه و سوما هستند.

او در سال ۱۹۸۹ همراه با خانواده اش به آلمان آمد و در شهر کلن مستقر شد و با جدایی منصور حکمت و صداها کادر و

خود با تمام وجود در حرکت های اعتراضی و انقلابی سال ۵۶ حضور داشت. در تمامی حرکت های توده ای، تظاهرات ها، تحصن و فعالیت جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب در شهر سنندج نقش فعالی ایفا کرد. در جریان راهپیمایی مردم سنندج بطرف مریوان که در حمایت از کوچ تاریخی مردم مریوان صورت گرفت، از ابتدا تا پایان این حرکت و با استفاده از کامیون خود، بخش قابل توجهی از نیازهای تدارکاتی راهپیمایان و همچنین انتقال مردم مسلح را بعهده گرفت. جمع آوری کمک مالی از رانندگان کامیون برای ادامه کاری فعالیت تشکیلات مخفی سنندج و کمک به خانواده های فعالینی که قادر به تامین نیازمندیهای زندگی خود نبودند، یکی دیگر از فعالیت های او در این دوره بود.

بعد از جنگ ۲۴ روزه سنندج در بهار ۱۳۵۹ چند روزی برای جلوگیری از دستگیری همراه با نیروهای مسلح از شهر خارج شد و سپس راندگی با کامیون را از سر گرفت و از این امکان برای انتقال برخی از نیازهای تدارکاتی پیشمرگان کومله به کردستان استفاده کرد. در سالهای ۶۰ و ۶۱ سرکوب گسترده و خونینی در تهران و شهرهای دیگر شروع شده بود و هزاران نفر از فعالین سیاسی زیر

طبقاتی در کل جامعه آشنا کرد و زمینه را برای روی آوری او به ایده های کمونیستی فراهم نمود.

از سالها قبل از قیام، فضای سیاسی علیه رژیم پهلوی در سراسر ایران و در شهرهای کردستان، تاثیر زیادی بر نگاه ایرج به نابرابری های جامعه داشت. از طریق برادرش که بعدا در سال ۶۱ اعدام شد و آشنایی با فعالین سیاسی دیگری در شهر سنندج، وارد محافل کمونیستی شد و شروع به مطالعه ادبیات کمونیستی کرد. او مجذوب این ادبیات شد و از هیچ فرصتی برای فراگیری دانش سیاسی خود کوتاهی نمی کرد.

قبل از شروع و اوج گیری انقلاب و در مقطع آزادی زندانیان سیاسی، ایرج فعالیت سازمان یافته در تشکیلات مخفی کومله را شروع کرد. قیام ۵۷ نقطه عطفی برای فعالیت هدمند و سازمان یافته برای او بود. ایرج در صحبت های بارها این را عنوان می کرد که مقطع قیام ۵۷ برای او حکم یک دانشگاه را داشت. فضای انقلابی در جامعه ایران درک سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی او را ارتقا داد.

او به همراه دیگر همکاران

ایرج فرجاد کادر قدیمی حزب کمونیست کارگری روز ۲۸ دسامبر ۲۰۲۱ (۷ دیماه ۱۴۰۰) به علت ابتلا به بیماری کرونا در سن ۷۵ سالگی در شهر کلن آلمان درگذشت. با درگذشت ایرج، حزب کمونیست کارگری یکی از قدیمی ترین، محکم ترین و دوست داشتنی ترین کادرهای خود را از دست داد.

ایرج در سال ۱۳۲۶ در خانواده ای زحمتکش در محله چهارباغ سنندج بدنیا آمد. او تا کلاس ششم ابتدایی به مدرسه رفت اما به علت بیماری پدرش و برای تامین نیازمندیهای خانواده ناچار شد مدرسه را رها کند و به کار در رشته مکانیکی و تعمیرات ماشین روی آورد و بدین ترتیب ایرج در سنین نوجوانی نان آور خانواده شد. پس از چند سال، کمک راننده و سپس راننده کامیون شد. تلاشهای شبانه روزی ایرج برای تامین معاش خانواده سبب شد زندگی مادر، برادران و خواهران او بتدریج از نظر اقتصادی بهبود پیدا کند. شروع آرامش زندگی خانواده ایرج مصادف بود با سالهای قبل از قیام ۵۷.

شرایط زندگی ایرج در خانواده ای فقیر و تبعیضات و تحقیرهایی که در محیط مدرسه تجربه کرده بود، او را خیلی زود با تبعیضات و شکاف های



در هر جمعی، به روحیه مثبت و امید و فعالیت در راه رسیدن به دنیای بهتر دامن میزد و بهمین دلیل بسیار زود به قلب افراد راه می یافت. ایرج نماد بارزی از صداقت، صمیمیت، فداکاری و انسانیت بود و درگذشتش ضایعه بزرگی برای حزب کمونیست کارگری. فقدان ایرج قلب همه ما را به درد آورد.

ایرج عزیز، یاد و خاطره تو برای همیشه در قلب ما باقی خواهد ماند!

۵ ژانویه ۲۰۲۲

برابرم قرار داد. داستان زندگی من اگر توانسته باشدراهی برای پیوستن به یک مبارزه جدی و اساسی برای ریشه کن کردن سیستم بردگی سرمایه داری را به روی هم زنجیرهایم باز کند، قوت قلب من خواهد بود و بهترین پاداش معنوی زندگییم.

سرانجام بیماری کرونا این کمونیست شریف و این انسان محبوب را که نزدیک به پنج دهه از زندگی اش را بی وقفه برای آرمان های والای انسانی مبارزه کرد، در روز ۷ دیماه ۱۴۰۰ (۲۸ دسامبر ۲۰۲۱) در سن ۷۵ سالگی از پای درآورد.

با از دست دادن ایرج فرجاد حزب ما یک ستون محکم خود در آلمان و چیک کادر قدیمی، محبوب و انساندوست را از دست داد، کسی که حضورش

ایرج فرجاد از نوجوانی تا آخرین روزهای زندگی اش در میان همکاران و دوستان و آشنایان خود و در میان رفقای حزبی اش انسانی قابل اتکا، دلسوز، صمیمی و با پرنسیپ بود و این روحیات همراه با آگاهی سیاسی او به ریشه های مشقات مردم، او را به چهره ای موثر و دوست داشتنی تبدیل میکرد. چه در فعالیت سیاسی و حزبی و چه در زندگی اجتماعی از اتوریتته و محبوبیت بالایی برخوردار بود. استحکام سیاسی و پیگیری در هدفی که داشت از مشخصات قابل توجه او بود.

ایرج شرحی از زندگی خود را در کتابی تحت عنوان "روزنه ای به زندگی میلیاردها انسان" نوشته است. در جایی از این کتاب میگوید: "این زندگی من بود که جذابیت سوسیالیسم را در

مبارزه علیه جمهوری اسلامی و فعالیتهای گسترده حزب کمونیست کارگری در شهرهای مختلف آلمان، خاطراتش را مرور کند، و به یاد نیورد که انسان عزیزی به اسم ایرج فرجاد، در بسیاری از این حرکتها حضور داشت و بقیه را به فریاد زدن علیه حکومت و پاک کردن خیابانهای آلمان از حضور مزدوران حکومت اسلامی فراخوان میداد؟

ایرج در خانواده نیز یک همسر و پدر نمونه و مدرن و برابری طلب بود. برای دوستان و آشنایان و رفقای حزبی خود نیز در حل مشکلات فردی همواره پیشقدم بود و بسیاری از ما از کمکهای مهربانانه این انسان عزیز در حل مشکلات شخصی خود بسیار سپاسگذاریم.

و دهها تظاهرات بزرگ بر علیه زن ستیزی حکومت اسلامی و مامشات دولت آلمان با حکومت اسلامی ایران، همراهی و کمک به رفقای دیگر برای حضور در برنامه های حزب در هلند و فرانسه و انگلیس و سوئد و حضور در دهها میتینگ بر علیه احکام اعدام و سنگسار در ایران، بخشی از فعالیتهای شبانه روزی و خستگی ناپذیر ایرج در آلمان بود.

چه کسی در بین فعالین سیاسی و مردم ساکن کلن است که چهره مهربان او را در مرکز شهر کلن برای نجات جان ریحانه جباری، کبرا رحمانپور، نازنین فاتحی و زانیار و لقمان مرادی و رامین حسین پناهی به یاد نیورد؟

چه کسی میتواند در باره

زندگی دردناک کولبران سند جنایت حکومت است

« کولبری و سوخت بری شغل نیست حتی نمی توان آنرا با بردگی مقایسه کرد. راه مبارزه با تحمیل فقر و جنایت به کولبران و سوخت بران توسط حکومت اسلامی به میدان آمدن نیروی عظیم مردم علیه این توحش و بربریت است. ایستادگی در مقابل قتل و کشتار کولبران با حضور خیل عظیم هزاران نفره کولبران، خانواده هایشان و حمایت همه جانبه مردم از آنها، یکی از راههای مقابله با توحش و آدمکشی حکومت اسلامی است. فعالین عرصه های متعدد اعتراض اجتماعی نقش مهم و خطیری در حمایت از کولبران برای راه اندازی کمپین ها و سازماندهی حرکت های اعتراضی علیه مفتخوران و قاتلان حاکم بر جامعه دارند. »



عبدل گلپریان

درد جانکاه کولبری در غرب و سوخت بری در شرق ایران یکی از دردآورترین معضلات عمیقی است که امروز تمامی بخشهای مختلف مردم در سراسر ایران تحت حاکمیت جنایتکاران اسلامی با آن روبرو هستند. بنا به آمار منتشر شده در طول سال جاری میلادی ۵۲ کولبر کشته شده اند که ۴ نفر از آنها زیر ۱۸ سال بوده اند. در طول این مدت و در جریان تیراندازی نیروهای مرزی، ۱۶۳ کولبر نیز زخمی شده اند. بنا به این گزارش از مجموع ۱۴۰ مورد تیراندازی که منجر به کشته شدن کولبران شده است، ۱۳۴ مورد توسط نیروهای مسلح رژیم اسلامی رخ داده و ۶ مورد نیز توسط نیروهای مسلح ترکیه و عراق انجام شده است.

شرایط و موقعیت دهشتناکی که کولبران در آن بسر می برند با هیچ واژه ای قابل توصیف نیست. از یک سو فقر، بیکاری، ناداری و به یک معنا زندگی زیر خط گرسنگی و از سوی دیگر قتل و ترور آنان توسط نیروهای مسلح رژیم اسلامی در مناطق مرزی، سهم این بخش از مردم در سایه وجود حاکمیت اسلامی طی بیش از چهل سال موجودیت ننگین و خونبارش بوده است.

اگر تا ده سال قبل تنها مردان خانواده به این شغل کاذب سوق داده شدند، اکنون زنان سالخورده و کودکان نیز مدتهاست ناچار به روی آوری به این کار برای نجات خود از فقر و گرسنگی شده اند.

مهم و خطیری در حمایت از کولبران برای راه اندازی کمپین ها و سازماندهی حرکت های اعتراضی علیه مفتخوران و قاتلان حاکم بر جامعه دارند.

خواست اصلی و محوری کولبران شغل مناسب یا بیمه بیکاری است. این مطالبه ابتدایی و برحق را باید با اعتراض وسیع و قدرتمند به دزدان و آدمکشان حاکم بر ایران تحمیل کرد.

۱۵ دی ماه ۱۴۰۰

دولتی از غارت هستی جامعه را سالهاست برپا کرده اند.

کولبری و سوخت بری شغل نیست حتی نمی توان آنرا با بردگی مقایسه کرد. راه مبارزه با تحمیل فقر و جنایت به کولبران و سوخت بران توسط حکومت اسلامی به میدان آمدن نیروی عظیم مردم علیه این توحش و بربریت است. ایستادگی در مقابل قتل و کشتار کولبران با حضور خیل عظیم هزاران نفره کولبران، خانواده هایشان و حمایت همه جانبه مردم از آنها، یکی از راههای مقابله با توحش و آدمکشی حکومت اسلامی است. فعالین عرصه های متعدد اعتراض اجتماعی نقش

برای سود جستن باندها و شبکه های سپاه پاسداران است. اگر زحمتکشان و مردم محروم مناطق مرزی ناچار شده اند از این راه برای تأمین مایحتاج زندگی، جان خود را وثیقه تأمین نان خالی فرزندانشان قرار دهند، باندها و شبکه های مافیای سپاه و نیروهای آدمکش اسلامی با غارت و قاچاق نفت و دیگر کالاها از طریق صدها کامیون در غرب به عراق و در شرق به پاکستان به میلیاردرهای گردنه بگیر تبدیل شده اند.

آدمکشان مسلحی که نه تنها فقر، گرسنگی و مرگ را برای مردم به ارمغان آورده اند بلکه شبکه ای رسمی و

میراث حکومت اسلامی برای مردم مناطق مرزی تنها تحمیل فقر و کشتار آنان نیست بلکه تباہ کردن زندگی مردم در مناطق مرزی و بجا گذاشتن اثرات مخرب و غیر قابل جبران بر جسم و روان معلول شدگان، خانواده ها و فرزندان آنان نیز هست که تنها می توان آنرا با عبارت، جنایت علیه بشریت توصیف کرد.

تحمیل کولبری و سوخت بری به مردم محروم مناطق مرزی توسط حکومت اسلامی، در فقر و گرسنگی نگه داشتن آنان، عدم برخورداری از ناچیزترین امکانات ابتدایی و قتل و کشتار آنان امکانی

سه یادداشت کوتاه!



شهلا دانشفر

لایحه ریاضتی حکومت و بازنشستگان

بازنشستگان به تعرضات حکومت به زندگی و معیشتشان تحت عنوان لایحه بودجه ۱۴۰۰ و عدم اجرای همسان سازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالای خط فقر و اجرایی نشدن دیگر مطالباتشان اعتراض دارند.

بحران آفرین بودن افزایش حقوق بازنشستگان یک گفتمان حکومت از جمله موضع الیاس نادران در مجلس اسلامی بوده است. در برابر، بازنشستگان ایستاده و میگویند که چگونه است که افزایش حقوقهای نجومی تورم را نیست، اما افزایش مزد بازنشستگان، کارگران، و معلمان تورم زاست؟ آنها بر اجرای کامل مطالبات خود تاکید دارند.

همچنین اعتراض به بند افزایش دو سال به سن بازنشستگی و بند افزایش میانگین محاسبه حقوق بازنشستگی از دو سال به سه سال از جمله موضوعات اعتراضات بازنشستگان بوده است. اما زیر فشار اعتراضات بازنشستگان و جنبش گسترده علیه لایحه ریاضتی دولت، مجلس اسلامی یک قدم عقب نشست و بنا بر خبرها رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس اسلامی در این رابطه میگوید: «در جلسه کمیسیون بند مربوط به افزایش دو سال سن بازنشستگی کلاً حذف شد و همچنین قسمت مربوط به میانگین پرداخت مستمری بازنشستگان از ۲ سال به ۳

سال نیز حذف شده است...» همانطور که اشاره شد عقب نشینی مجلس و حذف دو بند مورد اشاره از لایحه بودجه یک عقب نشینی در برابر اعتراضات بازنشستگان است. اما اعتراض آنان به کلیت این لایحه است.

علاوه بر بازنشستگان معلمان نیز یک بخش پیشتاز اعتراض به لایحه ریاضتی حکومت هستند. معلمان لایحه بودجه دولت را لایحه سرکوب و دزدی و چپاول خوانده و حرفشان این است که چگونه است که برای حوزه علمیه قم و صدا و سیما و دستگاه های سرکوب و مراکز مذهبی بودجه هست و بودجه آنها افزایش هم می یابند، اما برای کارگر، معلم، بازنشسته و برای مردم بودجه نیست.

اعتراض به لایحه بودجه دولت بطور واقعی موضوع اعتراض همه مردم در برابر تعرض حکومت به زندگی و معیشتشان است و این جنبشی است که دامنه اش هر روز گسترده تر میشود. از جمله در این آخر سال که بحث بر تعیین میزان حداقل دستمزد سراسری است، این موضوع به گفتمان اعتراضی کل جنبش کارگری تبدیل خواهد شد و این جنبشی اجتماعی و سیاسی است که کل بساط چپاول و غارت حکومت را به چالش میکشد.

هزاران پرستار در خطر اخراج

اخیرا سازمان برنامه و بودجه در نامه ای به وزارت بهداشت تبدیل وضعیت پرستاران و استخدام رسمی آنها را به خاطر «مقدور نبودن» ممنوع کرده است. دولت اعلام کرده است که ۸۱ درصد بودجه اعتباری برای جذب نیروی جدید در قانون بودجه تا امروز مصرف شده است و بنابراین هیچ نوع استخدام یا تبدیل وضعیت مقدور نیست. این چنین است که تحت عنوان کاهش نسبی شیوع کرونا هزاران پرستار با قرارداد

۸۹ روزه در آستانه اخراج قرار دارند. پرستاران به این سیاست جنایتکارانه حکومت معترضند و میگویند با ما مثل کارگر فصلی رفتار می شود. وقتی کرونا اوج میگیرد ما را به خدمت فرا میخوانند و وقتی کمی فروکش میکند از کار بیکارمان میکنند و میگویند اگر لازم بود دوباره خیرتان خواهیم کرد. بدین ترتیب زندگی و معیشت و نیز بخاطر نوع شغلمان و قرار داشتن دائم در معرض ابتلا به بیماری ها و امروز بخاطر اپیدمی بیماری کرونا جانمان همواره در خطر است.

این بیکارسازی ها در شرایطی اتفاق می افتد که به گفته معاون پرستاری وزارت بهداشت مراکز درمانی به ۱۴۵ هزار پرستار، تکنسین اتاق عمل و هوشبر نیاز دارند.

البته سالیهاست که بیمارستانهای بخش خصوصی و دولتی با طرحهایی چون «پرستار شش ماهه، بهیاری یک ساله و آموزش پرستار و بستن قراردادهای موقت ۸۹ روزه به کار گرفته میشوند. پرستارانی که از حداقل حقوق و مزایای شغلی محرومند وزیر فشار سنگین کاری با ارزان ترین قیمت کار میکنند. بنا بر گزارشات در ایران ۱۳۳ هزار و ۶۵۷ پرستار به کار اشتغال دارند. یعنی برای هر یک هزار نفر فقط ۱،۵ پرستار کار میکنند. بنا بر گزارشات ۷ تا ۸ هزار نفر در بخش خصوصی و در چهارچوب قانون کار اسلامی شاغل هستند. علاوه بالغ بر ۳۰ هزار پرستار به صورت شرکتی کار میکنند که همواره خطر بیکار شدن از کار تمامی این پرستاران را تهدید میکند. بدین ترتیب واقعیت اینست که کمبود پرستار یک معضل سابقه دار در بیمارستانها است. قیل از شیوع کرونا نیز گزارشات تماما از کمبود پرستار کافی در مراکز درمانی و فشار سنگین کاری و حتی اضافه کاری های اجباری حکایت میکند و استخدام پرستار به میزان کافی و لغو اضافه کاری

های اجباری و کاهش فشار سنگین کار در بیمارستانها از جمله خواسته های اعلام شده از سوی پرستاران بوده است.

بدین ترتیب بیکارسازی هزاران پرستار آنهم در دل بحران کرونا به کمبود نیرو در بخش درمانی ابعاد فاجعه بارتتری خواهد داد و بدون شک تاثیر مستقیم خود را بر استانداردهای درمانی در سطح سراسری خواهد گذاشت و این تصمیم یک جنایت آشکار و بازی کردن با جان بیماران و همه مردم است و گوشه ای دیگر از سیاست جنایتکارانه حکومت در قبال بیماری مرگبار کرونا است.

پرستاران و کادر درمانی یک بخش کلیدی از کارگران و کارکنان بخش خدماتی هستند. بخشی که در دل بحران کرونا بیشترین و انسانی ترین خدمات را به مردم ارائه دادند و در صف جلوی جنگ با کرونا و حکومت کرونا قرار دارند و در این جنگ قربانی بسیار داده اند. از جمله بنا بر گزارشات نزدیک به نیمی از پرستارانی که در بخش مراقبت از بیماران کرونا اشتغال دارند به کووید ۱۹ مبتلا شده اند و طبق آمارهای داده شده از ابتلای شیوع این بیماری مهلک حداقل ۱۲۵ هزار پرستار به کرونا مبتلا شده اند که بالغ بر ۱۵۰ نفر از آنها جان خود را از دست داده اند.

بیکار سازی ها، وضع نابسامان درمان و عدم رعایت پروتکل های سازمان بهداشت جهانی در مقابله با کرونا در بیمارستانها و در سطح جامعه، منع خرید و ورود واکسن های معتبر به ایران توسط حکومت و عدم واکسیناسیون سراسری مردم و پنهان نگاهداشتن اخبار مربوط به مرگ و میر در اثر کرونا همه و همه از جمله موضوعات اعتراضات پرستاران و کل جامعه در برابر سیاست جنایتکارانه حکومت در قبال بیماری مرگبار کرونا بوده و هست.

بعلاوه سطح حقوق پرستاران بسیار نازل و چند بار زیر خط فقر است و وضع بد معیشتی و فشار سنگین کاری یک معضل جدید آنهاست. باید از خواسته ها و اعتراضات پرستاران وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

دولت رئیسی و فرمان منع ورود واکسن کرونا به ایران

بهرام دارایی رئیس سازمان غذا و داروی ایران ضمن اشاره به اینکه در حال حاضر هیچگونه وارداتی صورت نمیگیرد و ایران متکی به تولیدات داخلی است از کفاف نیازهای کشور از جمله دوز سوم واکسن کرونا خبر داد و در گفتگو با صدا و سیما جمهوری اسلامی ممنوعیت واردات واکسن کرونا را تایید کرد. کمال حیدری معاون وزیر بهداشت ایران هم با تاکید بر همین نکات از ممنوعیت واردات واکسن کرونا خبر داد.

این اخبار انعکاس اعتراضی بسیاری در میان مردم داشت. تا جایی که بهرام دارایی یک روز پس از تایید خبر ممنوعیت ورود واکسن کرونا صحبت های خود را به نوعی رد کرد و گفت که واردات این واکسن بر اساس مصوبه ستاد ملی مقابله با کرونا ممنوع نیست و در صورت نیاز به واکسن، واردات ادامه پیدا خواهد کرد. این درحالیست که خبر ممنوعیت از سوی خبرگزاری های رسمی حکومتی اعلام شده است و در کنار اتخاذ این تصمیم در مورد اخبار و آمار واقعی از ابعاد تلفات جانی این بیماری مرگبار به مردم همچنان پنهانکاری میشود. از جمله وزیر بهداشت جمهوری اسلامی، شیوع اومیکرون در کشور را بدون افزایش اعلام کرد. در حالیکه قبل از او سرپرست مرکز اطلاع رسانی آمار ۱۵۹ نفری مبتلایان سویه جدید را در صفحه توئیترش

ادامه از صفحه ۸

منتشر کرده بود!

منع خرید واکسن معتبر، پنهانکاری و دروغ گویی و لاپوشانی کردن اخبار مرگ و میر بر اثر کرونا، عدم اجرای پروتکل‌های سازمان بهداشت جهانی، رها کردن مردم در بی‌تامینی مطلق در کام بیماری مرگبار کرونا و در پشت پرده به راه انداختن صنعت سودآور و پولساز کرونا و تولید انواع و اقسام واکسن های بنجل و بی اعتبار اجزای سیاست جنایتکارانه جمهوری اسلامی از همان آغاز شیوع کرونا تا به امروز بوده است.

بر محور همین سیاستها حکومتیان به جای درمان کرونا و پیشگیری از شیوع آن مردم را به خرافه طب سنتی و مذهبی و "طلب شفا از خدا" حواله داده و در پناه همه این سیاست های جنایتکارانه است که صنعت پر رونق کرونا را به راه انداخته اند. از جمله بخشی از این صنعت پول ساز، تولید واکسن های داخل کشوری است. بخش دیگر تولید داروهای با نرخ های نجومی و هزینه های بالای آزمایش های تشخیصی و درمانی و داروهای ضد ویروسی است.

برای ایجاد بازار سیاه فروش واکسن حتی تا چند میلیون و گسترش شرکتهای بزرگ داروسازی در ایران است که در مالکیت مهره های وابسته به قدرت هستند. سردمدار این واکسن‌ها واکسن برکت است که بنیاد برکت که خود زیر مجموعه ستاد اجرایی فرمان امام است و ریاستش با محمد مخبر معاون اول ابراهیم رئیسی است، تولید کننده آنست. دیگر واکسن‌های تولید داخل ایران از جمله واکسن فخرا (تولید وزارت دفاع ایران) و واکسن نورای (سپاه پاسداران) هم همین وضعیت را دارند و فاقد هر گونه اعتبار علمی و پژوهشی ای هستند.

به گفته حیدر محمدی، مدیرکل امور دارو سازمان غذا و دارو به کل تولیدکنندگان واکسن کرونا برای توسعه خطوط تولید ۱۳۰ میلیون یورو ارز دولتی اختصاص داده شده است. و این یک قلم از پولهای به سرقت رفته تحت عنوان تولید واکسن است. اقلام دیگر این دزدی ها گرفتن ودیعه و پیش پرداخت های نجومی برای قرار دادن نام بیماران در لیست بستری ها و پرکردن تخت های گران قیمت آی سی یو است.

بدین ترتیب در حالیکه خبری از درمان رایگان در سطح

جامعه نیست، جانبان اسلامی بر چپاولگریشان شدت داده و به قیمت گرفتن جان انسانها پولهای کلان به جیب می زنند.

این چنین است که در ایران بحث بر سر کشتار جمعی مردم بخاطر کرونا و سیاست های جنایتکارانه حکومت در جریان است. از جمله میدانیم که آمار ابتلاء به کرونا بیداد میکند. از جمله وزارت بهداشت اعلام کرد که تعداد مبتلایان کوئید-۱۹ در ایران از ابتدا تاکنون به ۵ میلیون و ۹۵۴ هزار و ۹۶۲ نفر و قربانیان آن به ۱۳۱ هزار و ۷۷۸ نفر رسیده است. اگر چه بنا بر گفته ها ارقام واقعی چندین برابر بیشتر از اینها است و مهمترین عامل این کشتار جمعی مردم، سر باز زدن حکومت از واکسیناسیون همگانی و عدم پیشگیری از شیوع و گسترش آن از همان روز آغازش است.

در راس هرم این کشتار جمعی خامنه ای قرار دارد که با تئوری توطئه آمریکا، استراتژی ایمنی گله ای را در دستور قرارداد و نتیجه مستقیم این سیاست کشتار عمومی مردم بود. بر اساس همین سیاست اول ادعا کردند که توان تولید واکسن در کشور را حتی بیش از نیاز مصرف داخلی دارند.

بعد خامنه ای فتوا داد و رسماً واردات واکسن از آمریکا و انگلستان را ممنوع اعلام کرد. و امروز نیز ادامه همین تصمیم در دستور دولت رئیسی جلاد قرار دارد و مردم را به واکسن های داخلی حواله داده و این ادامه سیاست و چپاول حکومتیان و کشتار جمعی مردم است.

از همین رو اعتراض به این سیاستهای جنایتکارانه یک موضوع جدال هر روزه مردم با حکومت اسلامی طی این مدت بوده و موضوع کیفرخواست مردم علیه خامنه ای و سران این حکومت است. مردم در گفتمانهایشان این کشتار را یک قتل عمد و جنایت علیه بشریت دانسته و علیه خامنه ای و حکومتیان اعلام جرم کرده و بدرست خواستار تعقیب قضایی این جانبان هستند.

خرید واکسن معتبر و واکسیناسیون رایگان و همگانی و اجرای پروتکل‌های سازمان بهداشت جهانی در سطح جامعه یک کارزار مهم بخش های مختلف کارگری و مردم معترض در دو ساله اخیر بوده و امروز نیز موضوع اعتراض مردم است. بعلاوه امروز مردم بخاطر کشتار جمعی عزیزانشان بخاطر کرونا دادخواه اند و با کیفرخواست جلو آمده و پاسخ

میخواهند. در این دادخواهی انگشت نشانه مردم مستقیماً بسوی خامنه ای به عنوان مسئول این کشتار جمعی و کل حاکمیت است. یک مثال بارز آن حرکتی است که با طرح شکایت شماری از وکلا از شخص خامنه ای به خاطر ممانعت از واکسیناسیون مردم و کشتار جمعی ای که به راه افتاده شروع شد. حکومت اسلامی با دستگیری و سرکوب تلاش کرده این اعتراضات را عقب بزند اما امروز این دادخواهی به جنبشی اجتماعی در سطح جامعه تبدیل شده است. اعلام مجدد ممنوعیت وارد کردن واکسن معتبر و ادامه سیاستهای جنایت کارانه حکومت در قبال کرونا و چپاول و غارتگری هایشان به این اعتراضات تحرک بیشتر داده است. بکوشیم ت صدای رسای این جنبش در سطح جهانی باشیم. تک

تک سران این حکومت و در راس آنها خامنه ای بخاطر تمام جنایاتشان باید پشت میز محاکمه قرار گیرند. جمهوری اسلامی باید در سطح جهانی بایکوت شود. این رژیم کرونایی، این رژیم فقر و فلاکت و تبعیض و نابرابری، این رژیم سرکوب و جنایت باید گورش را گم کند و برود.

۵ ژانویه ۲۰۲۲

ماهوره یاه ست

ماهوره یوتلست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

اف ای سی: ۵/۶

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

KANAL JADID
 کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

ایران در آستانه یک رنسانس سوسیالیستی قرار دارد

باتلاق بحران سیاسی عراق و زمین گیر شدن حکومت اسلامی

سال همه امکانات یک کشور ثروتمند توسط جمهوری اسلامی جهت اسلامیزه کردن جامعه صرف شده، اما این وصله ناجور، این سیاهی و تباهی تحمیل شده دیگر قابل تحمل نیست. جامعه در مقطع تعیین تکلیف سیاسی با حکومت اسلامی قرار گرفته است، و زنان که بی حقوقترین بخش جامعه در تاریخ ایران بوده اند امروز در صف اول به خاکسپاری این بردگی و فرودستی قرار دارند. زنان شجاعی که سبملهای رژیم اسلامی را یکی بعد از دیگری یا آتش میزنند و یا زیر پا لگدمال میکنند، میروند تا پوچ بودن تقدس و آسمانی بودن مذهب را به جهانیان نشان دهند و این در قدم اول یعنی لغو بردگی جنسی و زن ستیزی، علیه ظلم و تحقیر و قوانین مردسالارانه.

انقلاب آتی ایران چهره کاملا زنانه دارد و زنان جسور رهبران این پیشروی ها هستند. مطالبات و دستاوردهای این پیشروی ها چنان رادیکال و انقلابی اند که جامعه را ده ها پله بجلو پرتاب می کنند. رهایی زن در اوضاع سیاسی و اجتماعی امروز ایران چنان جایگاهی پیدا کرده است که فرهنگ عمومی به چیزی کمتر از آزادی، برابری، جامعه سکولار و مدرن تن نخواهد داد. و این یعنی یک رنسانس عمیق و سوسیالیستی که دست به ریشه ها میبرد و این ریشه ها برای جامعه تشنه امروز ایران یعنی رهایی انسان از قید و بندها.

۵ ژانویه ۲۰۲۲



امیر توکلی

جامعه در حال دفع اسلام سیاسی است و ایران وارد دوره نوینی در تاریخش شده است. یک تسویه حساب اساسی، یک خانه تکانی بنیادی در راه است. بنیادهای غالب فرهنگ ایرانی که همانا یکتاپرستی و مرده پرستی و مقدسات اسلامی و زن ستیزی و خرافات و ارتجاع است، میروند تا یکجا دود شود و به آسمان رود. شعله های نورافشان این آینده نه چندان دور را در دل شهرهایی که زیر سلطه نظامی رژیم اسلامی قرار دارند را میتوان بروشنی دید.

زن شجاعی که در شهر قم عمامه دو آخوند را لگدمال میکند، از تازه ترین نمونه هاست و گفته های کار به دستان رژیم گواه شروع این دوره نوین است: فاضل میبیدی از مدرسین علمیه قم میگوید: طلبه ها به خاطر فحش و متلک های مردم، لباس روحانیت نمی پوشند، نگاه مردم به روحانیت، نگاه بدی است، به گفته او: «بسیاری از طلابی که می خواهند به بازار بروند، خریدی دارند، یا کاری دارند یا می خواهند به مغازه ای بروند، سعی می کنند با لباس روحانیت نروند، برای اینکه مردم متلک یا فحش می دهند، و یا برخی از روحانیون میگویند که «بارها در خیابان به ما گفته اند مارمولک، یا گفته اند حاجی به شما بنز نرسید؟»

در حالی که بیش از چهل

و چپاولگر، باندهای مسلح و درنده اسلامی حشد شعبی و اسلام ضد زن، خامنه ای و قاسم سلیمانی، مقتدا صدر تا احزاب ناسیونالیست گرد را نمی پذیرند. آنها خواهان مشارکت در تشکیل دولت مردمی و انقلابی و کنار زدن سیستم موزائیکی قومی اسلامی در عراق شدند.

راه حل غلبه بر بحران و بن بست سیاسی در عراق با به میدان آمدن مردم با ظرفیتهای انقلابی و ارتقا یافته، با بدست گرفتن تحارب سازماندهی اکتبر ۲۰۱۹، عملی است. مردم در عراق از سیستم موجود و در قدرت ماندن اقلیتی جنایتکار قومی و اسلامی فاصله گرفته و روی برگردانده اند. مردم به این سیستم که توسط اقلیتی باند سیاهی زندگیشان غارت و چپاول میشود تنفر عمیق دارند.

حکومت اسلامی از امروز و بیش از همیشه در عراق و البته لبنان و سوریه به حاشیه رانده شده و میشود. تنفر و نه بزرگ به حکومت اسلامی در لبنان و عراق پرچم اتحاد و همبستگی مردم در خاورمیانه برای پاکسازی اسلام سیاسی و خلاصی از دست حاکمیت جنایتکاران اسلامی در ایران است.

۵ ژانویه ۲۰۲۲

تروریست نظامی سپاه پاسداران قاسم سلیمانی فاکتوری در عمق پیدا کردن بحران انزوای حکومت اسلامی و سرگردانی احزاب وابسته و دست ساز آنها است. از اکتبر سال ۲۰۲۱ و با برگزاری بالماسکه انتخابات تا به امروز ائتلاف احزاب برای تشکیل دولت معلق شده است. در انتخابات اکتبر ۲۰۲۱ احزاب قومی — مذهبی موفق نشدند به اکثریت آرا و تشکیل دولت دست یابند. از میان احزاب اسلامی جریان مقتدی صدر با کسب ۷۲ کرسی و ائتلاف فتح (وابسته به حشد الشعبی — نیروهای نظامی اسلامی حکومت اسلامی در عراق) با نوری مالکی این دو گروه با هم ۵۹ کرسی و حزب دموکرات کردستان عراق با ۳۳ کرسی از صندوقها بیرون آورده شدند.

اما عامل اصلی بحران سیاسی در عراق و انزوای حکومت اسلامی مردم مبارز و انقلابی در عراق هستند. از اکتبر سال ۲۰۱۹ ده ها هزار نفر از مردم، زنان و جوانان، کارگر بیکار و مردم به تنگ آمده از دست فقر و بیکاری در عراق در سطح وسیع و سراسری در میدان های تحریر بغداد، بصره، نصر، کربلا و چندین شهر بزرگ و کوچک به میدان آمدند و با استواری تمام اعلام کردند که دیگر سیستم موزائیکی قومی — اسلامی و باندهای جنایتکار سرمایه داران دزد



نسان نودینیان

در چند روز گذشته رایزنی های مقتدی صدر با باندهای اسلامی و حشد شعبی به منظور تشکیل ائتلاف حکومتی و دولت با تشنج و بدون نتیجه ماند. سرنوشت آخرین دیدارها در اربیل با حزب دموکرات کردستان هم که در یک هفته گذشته برگزار شد مشخص نیست. به مناسبت دومین سال ترور قاسم سلیمان تروریست مردم عکسهای او را با بنرهایش را به آتش کشیدند. انزوای حکومت اسلامی و تنفر از سپاه قدس و خامنه ای همه گیر و توده ای هم شده است.

عراق در عمیق ترین باتلاق بحران سیاسی و حکومتی گیر کرده است. حکومت اسلامی از همه بیشتر به عمق منجلاب گندیده شده این باتلاق افتاده است. مانورهای نظامی و دیپلماتیک حکومت اسلامی به ته رسیده و حسابی زمین گیر شده اند. ترور



آنچه حکومت باید بداند!

حمید صداقت

لگد کوب شدن عمامه دو آخوند مدعی امر به معروف و نهی از منکر در شهر قم توسط یک زن شجاع حاوی پیام روشن یک جامعه ی خشمگین به آخوندها بود که بسیار در همه ی امور کند زده اند و باید مراقب باشند که صبر مردم لبریز شده و خشم مردم از اوضاع موجود به حدی افزایش یافته که تنها دنبال بهانه ای هستند که این خشم و نفرت را بر سر آخوندها و عوامل حکومت بریزند. بنابر این جا دارد که رژیم پیام مردم و جامعه را به درستی بگیرد. و بیش از این دست به اقدامی نزند که به انفجار اجتماعی خشم مردم منجر شود که آرزو دارند سر به تن حکومت نباشد.

کشمکش مردم با حکومت نتیجه ی بیگانگی حکومت از مردم و دشمنی حکومت با تحقق اراده آزاد مردم و دشمنی آنان از بدو ایجاد و حتی پیش از آن تا امروز با آگاهی علمی، آزادی برابری سکولاریسم انسانیت و دخالت مستقیم مردم از طریق شوراها در زندگی اقتصادی اجتماعی و سیاسی خود میباشد. جمهوری اسلامی نه حاصل انقلاب مردم بلکه نتیجه دشمنی با انقلاب مردم و دشمنی با خواست مردم مبنی بر داشتن یک حکومت انسانی آزاد برابر بود. درواقع جمهوری اسلامی نه نماینده انقلاب مردم بلکه ضد انقلاب تحت نام انقلاب با هدف سرکوب انقلاب و خفه کردن آزادی مردم و با هدف تارومار گروه های سیاسی مختلف و سرکوب مردم توانست با کودتا و توسل به کشتار مردم جوانان روشنفکران و دگراندیشان حکومت کند.

مردم امروز پس از سالها کشمکش و تجربه و خطا و کسب آگاهی و دستیابی به شناخت ماهیت حکومت



جمهوری اسلامی نابود باید گردد!

از شعارهای مردم در خیزش ۹۸

نه به جمهوری اسلامی یعنی:

نه به زن ستیزی

نه به حجاب اجباری

نه به جداسازی جنسیتی

نه به بی حقوقی زن

نه به تحقیر و توهین به زنان

نه به تابوها و مقدسات و اخلاقیات ضد زن

شر این حکومت را از سر خود وا کنند. جمهوری اسلامی امروز به هر خس و خاشاکی چنگ بزند و به هر قدرت و کشوری برای ماندن از کیسه مردم ایران حاتم بخشی کند باز باید برود. چون مردم خواهان سرنگونی حکومت و درهم کوبیدن آن هستند. این روند در حال طی شدن است و بزودی آخرین مراحل نمایش کشمکش مردم با حکومت بر سر سرنگونی حکومت با قیام، شورش، اعتراض و اعتصاب به سرانجام نهایی خود می رسد.

آزاد اندیشان و خردمندان سکولار و لائیک همگی گویای عملکرد و پراتیک ضد آزادی و ضد اندیشه و ضد بیان آزاد دگراندیشان توسط این جریانات از دیروز تا امروز است.

جریانات اسلامی پیرو خط خمینی تنها با تکیه به کشتار ارباب اشاعه ی ترس و خرافه به کار خود در ضدیت و دشمنی با مردم ادامه داده اند. مردم جمهوری اسلامی را سالها و سالها در ادعا و عمل تجربه کرده اند و دیده اند که حکومت اسلامی چه فاجعه ای برای سیاست و حکومت در جامعه است. لذا به این نتیجه و شناخت رسیده اند که به هر طریق

پراکنی آنها فرار می گرفتند و افرادی که آگاهی علمی و عقلی در مورد مسائل جامعه را مطرح میکردند که به مذاق این جریانات خوش نمی آمد هدف ترور و قتل و انفجار اسلامیون قرار می گرفتند.

ترور میرزاده عشقی، ترور محمد مسعود و ترور احمد کسروی و بسیاری ترورها و خودکشی ها نتیجه ی تهدید به قتل، هتاکی نسبت به شعرا و هنرمندانی چون دشتی، شفا، فروغ فرخزاد و سپس ترورها و قتلهای سیاسی و اعتقادی پس از انقلاب توسط جوخه های مرگ و ترور مقدس و کشتار زندانیان سیاسی و توهین به

موجود به فکر سرنگونی حکومت و به مصاف گرفتن کل سیستم آن افتاده اند. ضمن اینکه حکومت جمهوری اسلامی در همین مدت نشان داد که حکومت سرمایه داران انگل زانو صفت؛ حکومت مشتکی اوباش متعصب مذهبی چاقو به دستی است که هیچگاه جز در پناه ترور قتل و خشونت، کارشان در جامعه پیش نرفته است. اینان همیشه بسیار پیش از انقلاب و سرنگونی رژیم شاه ملعبه دست سازمان امنیت زمان شاه و ساواک آن بودند و بارها و بارها روشنفکران دگراندیش و شخصیت های سیاسی بنام و هنرمندان و شعرا هدف ترور سیاه و نفرت

از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hk](https://t.me/wpi_hk) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۲۵

یادداشت حامد اسماعیلیون در سالگرد سقوط هواپیمای اوکراینی



به یاد پریسا، به یاد ری‌را، به یاد تمام مسافران و خدمه پرواز، به یاد هوگر که طعم زندگی را نچشید، به یاد برهان، به یاد پژمان، به یاد ابراهیم، به یاد پویا، به یاد فرزاد، به یاد محسن، به یاد تمام بچه‌های آبان، به یاد تن‌های رگبار خورده‌ی نیزارماه‌شهر،

به یاد جوانان بر زمین افتاده در جواهرود و ریاط‌کریم و شهریار و تهران، به یاد سارو، به یاد دی ماه نود و شش، به یاد ستار، به یاد نوید، به یاد رامین، به یاد اکبر محمدی، به یاد هدا، به یاد فرزاد، به یاد شاهین ناصری، به یاد تمام قربانیان شکنجه و اعدام‌وزندان، به یاد داریوش، به یاد پروانه، به یاد پوینده و مختاری، به یاد حمید و کارون و همه‌ی آن‌ها که به جرم نوشتن سخاخی شدند، به یاد فریدون، به یاد دکتر برومند، به یاد همه‌ی آن‌ها که در غربت کشته شدند،

به یاد آنان که طعم تبعید چشیدند،

تا ده سال دیگر در آلمان بی خدایان و لا مذهب‌ان اکثریت خواهند بود و کاتولیکها و پروتستانها و معتقدین به مذهب در اقلیت. میشایل اشمیت سالمون سخنگوی بنیاد جردانو برونو میگوید، قانون اساسی در آلمان باید تغییر کند و از تشکیل شورای مرکزی لامذهب‌ان در آلمان حرف میزند که بزودی کارش را شروع میکند. مینا احدی

حمایتان به بهبود شرایط در بازداشت کمک کرد ممنوتانم. عزیزی نادیده برای تامین وثیقه ظالمانه ۱.۵ میلیاردی که توان تامین یک دهمش را هم نداشتم اقدام کردند و روزهای متمادی بازپرس آزارشان داد، مدیونشانم. از وکیل آقای رئیس‌بان که وکالتش همواره تجسد شرافت و دلسوزیست ممنونم.

شرمنده دوستان عزیزم هستم که بخاطر حضور من در جمعشان، کلت کشی یورشگران را شاهد بودند، وسایلشان ضبط شد، تحت فشار روانی، مالی و امنیتی قرار گرفتند، افترا و لجن‌پراکنی خبرگزاری‌های امنیتی گریبانگیر آنان هم شد و اذیت شدند. علی‌الحساب بیرونم.

سلام دلتنگی خوب میدانم شدت فشار و ضربه جسمی و روانی که طی پرونده سازی اخیر اطلاعات متحمل شدم در دل کلیت نظم شکنجه، ذره ناچیز است اما لاقلاً مرا به این درک مفید روانشناختی رساند که اگر با دهان بسته و چشمان باز خیره بمانید سگ‌های فاشیست، هاری میگیرند.



لیلا حسین زاده بعد از آزادی موقت از زندان نوشت:

المللی چنین رویکرد ضدبشری جمهوری اسلامی را برجسته کرد و از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی خواست که حکومت اسلامی را تحت فشار قرار دهند تا به تهدید و ارباب فعالیت ایزوسیون و خانواده‌های آنها در داخل و خارج کشور پایان دهد.

وهله نخست جمهوری اسلامی باید فوراً پاسخگوی وضعیت #ابراهیم_بابایی باشد و به صورت شفاف و علنی جامعه را نسبت به وضعیت سلامتی و شرایط نگهداری او مطلع کند. اما نظر به اینکه چنین اقداماتی از سوی جامعه مسبوق به سابقه است باید در سطح بین

بود. ۱۲ روز پیش در آخرین پیامی که از شهر ماکو فرستاد به من گفت: به زودی با تو تماس می‌گیرم.»

این اقدام جمهوری اسلامی و اعمال فشار بر فعالین سیاسی خارج کشور قویاً محکوم است و باید در سطوح مختلفی نسبت به آن دست به اعتراض زد. در

که بر مبنای شواهد توسط مأموران حکومت ربوده شده تا از این طریق او را از بلژیک محل سکونت‌اش به ترکیه بکشاند و به ایران منتقل کنند.

شیما بابایی در توییتری نوشت که «بدرم زندانی سیاسی سابق بود، در پرونده‌سازی جدید به حبس و شلاق محکوم شده

از شیما بابایی و پدرش ابراهیم بابایی حمایت کنیم!

#شیما_بابایی زندانی سیاسی سابق یکشنبه ۱۲ دی‌ماه با انتشار ویدیویی در حساب توییتری خود از ناپدید شدن پدرش ابراهیم بابایی خبر داد

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۳



اعتراض دارند و حق دارند از مضرات دین اسلام و نابودی زنان به دست این ایدئولوژی ضد زن صحت کنند و هیچ تهدیدی نباید متوجه آنها باشد. اینکه زن در بنیانهای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی یک کالای جنسی است ظلم بر زن است که نباید نسبت به آن سکوت کرد.

انقلاب زنانه بار دیگر اعلام میدارد که حجاب یک تکه پارچه نیست، حجاب سمبل اسلام سیاسی است، حجاب نماد بردگی زن است، حجاب بهانه تجاوز است، حجاب ابزار دست جمهوری اسلامی برای سرکوب است، حجاب بستر همه بی حقوقی‌هایی است که امروز زنان ایران درگیر آن هستند. حجاب نماد آشکار یک خشونت و توحش حکومت اسلامی علیه زنان است.

تازه‌ترین کمپین علیه حجاب اجباری اعلام میکند «قوانین اسلامی کل زندگی ما را کنترل می‌کند»

در چند روز گذشته گروهی از زنان ایرانی در کمپینی با عنوان «بگذارید حرف بزنیم» با انتشار عکس‌های - عمدتاً - از دوران کودکی یا نوجوانی‌شان، در حالی که پوشیده در حجاب اجباری هستند، در کنار عکس‌های این روزهایشان در پوششی انتخابی و آزاد، به زبان‌های فارسی و انگلیسی درباره تأثیر حجاب اجباری بر زندگی خود می‌نویسند.

بسیاری از زنان در این کمپین که به فاصله کمی از روز جهانی #نه_به_حجاب_اجباری به راه افتاده است در شبکه‌های اجتماعی نوشته‌اند که بر کالا انگاری زن از دید اسلام و قوانین اسلامی

در حمایت از #زن_شجاع که عمامه را لگد مال کرد

های مختلف مدیایی دیدیم، شاهد خشم فروخورده زنی بودم که مثل یک آتش فشان منفجر شده بود، با خودم فکر کردم اگر این اتفاق خبر از یک انقلاب عظیم در جامعه نمیده، خبر از اینکه زنان در جامعه عزم خودشون رو برای نابودی این حکومت ضد زن و ارتجاعی جزم کرده‌اند نمیده، پس خیلی ما باید خودمان را به خواب زده باشیم که نخواهیم این انقلاب زنانه رو در بطن جامعه ببینیم، من به زنان شجاع و جسور ایران افتخار میکنم که این چنین حق این مفتخورها رو کف دستشون می‌زارن.

آوا میرسالاری

#لگد_کردن_عمامه

از سر چوب کردن حجاب توسط ویدا موحد تا زیر پا لگد کردن عمامه‌ی آخوندهای زالو صفت توسط یک زن جسور در قم

من زمانی که ویدئو ی زنی که در مرکز تبلیغ و ترویج اسلام یعنی قم رو دیدم که این چنین با اقتدار در مقابل مزاحمت‌های دو آخوند بی شرم یک تنه می‌ایستد و چطور با شهامت و عصبانیت تمام عمامه‌ی یکی از اون آخوندها رو زیر پای خودش لگد میکند، اولش برای چند لحظه خشک شدم پای تصویر، اما وقتی بارها این ویدئو رو در شبکه



iranwifa.com



فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpيران

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpيران.org

اطلاعیه های حزب

همصدا! علیه کشتار سرنشینان پرواز ۷۵۲ بمیدان بیائیم!

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

شما را به شرکت در پیکتهای اعتراضی ما علیه کشتار ۸ ژانویه و فروختن شمع در همبستگی با کمپین "انجمن خانواده های جانباختگان پرواز PS752" فرا میخواند!

به برپایی هر نوع اعتراض ممکن و ابتکاری اقدام کنیم!

نگ و نفرت بر رژیم سفاک اسلامی!

گرامی باد یاد جانباختگان!

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۲ ژانویه ۲۰۲۲

قدردانی شود و عملیات نه به اسم خامنه‌ای که به اسم دشمنشان به اصطلاح شیطان بزرگ ثبت شود.

این رژیم حتی یکروز را بدون چپاول، جنایت، قتل، شکنجه، اعدام و شلیک در زمین و آسمان به مردم ایران و منطقه و هر نقطه جهان که بتواند، نگذرانده است.

روز ۸ ژانویه را همدوش تمام خانواده جانباختگان و داد خواهان به روز اعتراض تبدیل کنیم.

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

روز ۸ ژانویه سالگرد روز سیاهی است که خامنه‌ای و فرماندهان و کاربدستان رژیم سفاک اسلامی دستور شلیک به هواپیمای مسافربری را در عملیات تبهکارانه‌ای به نام "شهید سلیمانی" صادر کردند. کشتار ۱۷۶ نفر پیر و جوان و کودک در ۸ ژانویه ۲۰۲۰ قرار بود مهر "مظلومیت" بر پرونده تبهکارانی بزند که جز کشتار جز شکنجه، جز چپاول و تبهکاری چیزی در پرونده ۴۲ ساله‌شان ندارند.

قرار بود با قربانی کردن ۱۷۶ نفر، از آدم‌کش و تروریستی حرفه‌ای بنام سلیمانی و اربابش سیدعلی خامنه‌ای



جمهوری اسلامی مسئول مرگ زندانی سیاسی عادل کیانپور است!

در زمره جنایات جمهوری اسلامی گذاشت و وسیعا به آن اعتراض کرد. لازم است جمهوری اسلامی از سوی مردم معترض به دلیل مرگ عادل کیانپور و مرگ های مشابه دیگر در زندان مورد مواخذه و زیر فشار قرار گیرد. اعتراض متحدانه مردم تنها راه جلوگیری از این جنایات است.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۱ دی - ۱۴۰۰ ژانویه ۲۰۲۲

می داند. علت واقعی مرگ عادل کیانپور، همچون وحید صیادی نصیری یک زندانی سیاسی دیگر که در آذر ۱۳۹۷ در اثر اعتصاب غذا جان نباخت، برخوردهای ضد انسانی جمهوری اسلامی است که مردم را بخاطر نبود آزادی سیاسی و مدنی و تنها به خاطر ابراز عقیده و یا انجام فعالیت سیاسی دستگیر می کند و در زندان آنها را چنان تحت فشار می گذارد که باعث مرگشان می شود.

مرگ عادل کیانپور را باید

بنا به گزارش "سازمان حقوق بشر اهواز" زندانی سیاسی عادل کیانپور که در زندان شبیان اهواز دوران محکومیت خود را می گذارند در اعتراض به محرومیت از حق دادرسی عادلانه و بدون رسیدگی پزشکی از چهارم دی دست به اعتصاب غذا زد که در نتیجه بی توجهی مسئولین زندان پس از یک هفته بعد از ظهر شبیه ۱۱ دی جان باخت.

کمیته بین المللی علیه اعدام جمهوری اسلامی را مسئول مرگ عادل کیانپور



تلخیصی از چند اطلاعیه حزب

و بسته شدن فوری پرونده های امنیتی، آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی و بازگشت به کار محمد حبیبی به سر کار از جمله خواستههای فوری اعلام شده معلمان در اعتراضاتشان است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ضمن اعلام این خبر حمایت

ادامه در صفحه ۱۵

صدای شلاقتان بلند است، اما قدرت اجتماعی ما بیشتر است."

محمد حبیبی قبلا نیز با اتهاماتی امنیتی به هفت سال زندان محکوم شده بود. و سه سال را در زندان گذراند. همچنین دادگاه اداری وزارت آموزش و پرورش حکم اخراج و بازخرید وی از خدمت را صادر کرده است. پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات

و نخواهد شد. با اوجگیری جنبشهای مطالباتی و نبود اراده ای از سوی حاکمیت در جهت پاسخگویی به مطالبات مردم، رویارویی بشكل آشکارتری نمود یافته است. صدها تلفن تهدید و خط و نشان کشیدن و احضار و بازجویی؛ تنها واکنش نهادهای در قدرت است تا شاید فضای ملتبهت جامعه را کنترل و نهایتا خفه کنند، ولی ممکن نیست. گرچه

حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران جهت بازجویی به دادگاه انقلاب شهریار احضار شده است. در رابطه با این احضاریه او در اینستاگرام خود مینویسد: "این شروع یک پرونده سازی جدید و احتمالا بدنبالش حکم و زندان است. صدور صدها سال حکم زندان برای فعالان صنفی، هرگز نتوانست مانعی برای پیگیری مسالمت آمیز مطالبات شود

احضار محمد حبیبی برای بازجویی، اعتصاب کارگران پست

- بدنبال اعتراضات گسترده معلمان برای پیگیری مطالبات معیشتی و تحصیل رایگان برای همه کودکان، حکومت اسلامی تلاش دارد با احضارها و امنیتی کردن مبارزات آنان جلوی گسترش بیشتر مبارزات آنها را بگیرد. از جمله محمد

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۴

افزایشی صورت نگیرد به اعتصاب خود ادامه خواهند داد موقتا به اعتراض خود خاتمه داده بودند.

روز ۱۲ دی ۳۰۰ کلاس درس در استان یزد بخاطر اعتصاب معلمان خرید خدمات برای دومین روز تعطیل شد. این معلمان در این روز در اعتراض به تقلیل بیمه آنها به ۲۱ روز کاهش حقوقشان به کمتر از نصف دریافتی سال قبل و نیز بلاتکلیفی شغلی شان و با خواست استخدام رسمی دست از کار کشیده و مقابل استانداردی دسته به تجمع زدند. این تجمع با همراهی والدین و دانش آموزان برپا شد.

تجمع بازنشستگان مخابرات راه دور شیراز، معلمان خرید خدمتی مشهد و اعتصاب کارگران پتروشیمی دماوند

صبح روز شنبه ۱۱ دی ماه شماری از کارگران بازنشسته شرکت مخابرات راه دور

و حقوق دانش آموزان بی توجهی کند، ما از تمام ظرفیت های خود استفاده خواهیم کرد.

روز یکشنبه ۱۲ دیماه جمعی از کارگران شرکت پست در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و سطح پایین حقوق ها مقابل ساختمان وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات دست به تجمع زدند.

بدنبال اعتصاب ۲۵۰ کارگر کاشی تبریز در روز دهم دیماه در اعتراض به سطح نازل حقوقها مدیریت گروه صنعتی این کارخانه طی اطلاعیه ای اعلام کرده است که مبالغی را به عنوان فوق العاده شغل در فیش حقوقی کارگران اعمال خواهد کرد. در اعتصاب روز دهم دیماه پس از چند ساعت تجمع کارگران در محل رختکن شرکت، مدیر کارخانه وعده افزایش حقوقها در چند روز آینده را داده بود و کارگران با اعلام اینکه اگر

قاطع خود را از محمد حبیبی اعلام داشته است. در بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان مبنی بر چگونگی ادامه روند مطالبه گری معلمان بر حق تشکل و اعتصاب تاکید شده و در بخشی از آن چنین آمده است: "اعتصاب و تجمع و تعطیلی کلاسها حق قانونی و حرفه ای ماست. اگر حکومت فکر می کند، با جوسازی و قراردادن بقیه اقسار قادر است این حق را از ما سلب نماید، سخت در اشتباه است. ما هنوز از حق تعطیلی نامحدود شاد و کلاسها استفاده نکرده ایم. ما هنوز از حق بست نشینی و تخصص نامحدود در ادارات و وزارتخانه استفاده نکرده ایم. ما هنوز خانواده های خود را با خود به تجمعات نیآورده ایم. ما هنوز به اقسار اجتماعی فراخوان حمایت نداده و لغو امتحانات را در دستور کار قرار نداده ایم. اما اگر دولت و مجلس به خواسته ها و مطالبات به حق فرهنگیان

آذرمه با خواست برچیده شدن و حذف پیمانکار، به نشانه اعتراض از دریافت غذا خودداری کرده اند. این کارگران در واحدهای آتش نشانی و ایمنی و بهره برداری مجموعه آف سایت و فاز یک مشغول بکار هستند و علاوه بر خواست حذف شرکت های پیمانکاری خواهان انعقاد قرارداد مستقیم، یکسان سازی دستمزدها و برقراری طرح اقماری ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت هستند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت با انتشار این خبر بر لزوم اتحاد و همبستگی همه بخش های کارگری در نفت و پتروشیمی و نیروگاهها در پیگیری خواسته ها و مطالبات خود تاکید کرده است.

شیراز در اعتراض به اجرایی نشدن مصوبات استانداری فارس و عدم پرداخت مطالبات ایام اشتغال خود که از دهه ۸۰ بلاتکلیف مانده دست به تجمع اعتراضی زدند.

روز شنبه ۱۱ دی معلمان خرید خدمات در مشهد با خواست رسمی شدن استخدام خود در مقابل اداره پرورش استان خراسان تجمع کردند. استخدام معلمان خرید خدمات و حق التدریسی یکی از مطالبات اعلام شده معلمان در قطعنامه ها و بیانیه های سراسری شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان بوده است.

بنا بر خبر منتشر شده در کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت بخشی از کارگران پیمانی پتروشیمی دماوند واقع در جاده عسلویه به شیرینو از روز شنبه ۲۷

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳دی ۱۴۰۰، ۳ ژانویه

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: telegram.me/wpi_hkki

وبسایت: www.wpiran.org

